

روزشمار

دوشنبه

۷ خرداد ۱۳۵۸

۲ رجب ۱۳۹۹

۲۸ مه ۱۹۷۹

۲۳۰

در ادامه مخالفت با دستور تخلیه اماکن دولتی و خلع سلاح عمومی در خرمشهر، تحصن هواداران کانون فرهنگی خلق عرب در ساختمان تحت اشغال وارد هشتمین روز خود شد. به نوشته روزنامه کیهان، کانون مزبور اعلام کرد: ما هنوز دلیل قانع کننده‌ای جهت تخلیه ساختمان و کانون فرهنگی خلق عرب از طرف فرمانداری شهر ندیده‌ایم، زیرا این ساختمان دولتی است و ما هم کارمان جز بالا بردن فرهنگ چیز دیگری نمی‌تواند باشد. کانون فرهنگی خلق عرب ادعا کرد: در حال حاضر در کانون حتی یک سلاح سرد وجود ندارد چه رسد به تفنگ و غیره... مسئله حمله به ستاد پاسداران و کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر باعث تأسف همگی ماست، زیرا ما سال‌ها با برادران عجم خویش در یک خطه و در کنار هم زندگی کرده‌ایم و همگیمان چوب پنجاه سال اختناق و زجر و شکنجه را چشیده‌ایم. تنها منافقین مایلند ما از هم جدا شویم تا بتوانند از این آب گل آلود ماهی بگیرند و تا زمانی که به خواسته‌های ما نرسند، به حال تحصن باقی خواهیم ماند. (۱)

از سوی دیگر، در مقابل، اعضای کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان نیز، همچنان به تحصن خود در مسجد جامع خرمشهر ادامه می‌دهند. به نوشته روزنامه کیهان در حال حاضر بازار خرمشهر به علت حوادث اخیر خرمشهر به حال تعطیل درآمده است و کسبه و بازاریان در مسجد جامع به تحصن نشسته‌اند. گویا این تعطیل شدن بازار هفت روز به طول می‌انجامد. (۲)

در همین حال ستاد نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در تلفنگرامی به وزارت کشور اطلاع داد که برابر گزارش پایگاه دریایی خرمشهر، در مورخه ۵۸/۳/۷ ساعت ۶ صبح سه نفر مسلح بوسیله دژبانی خلع سلاح شدند و اسلحه‌های آنان که شامل یک ژ - ۳ و یک برنو و یک اسلحه روسی بود، ضبط و یک نفر دستگیر گردید که به دژبانی آبادان اعزام شد. سازمان خلق عرب و برادر شبیرخاقانی مصرأ تقاضای اعاده سلاحها را نموده و اظهار می‌دارد که در حال مذاکره برای خلع سلاح می‌باشد که در این مورد تذکر داده شد حمل سلاح غیرقانونی می‌باشد. در

ضمن تعداد زیادی از جوانان عرب زبان هم اکنون جلو منزل شبیرخاقانی تجمع نموده‌اند و اظهار می‌دارند باید شدت عمل به خرج داد. (۳)

۲۳۱

با پایان یافتن سفر " آیت الله شیخ شبیرخاقانی " به تهران و قم و بازگشت وی به خوزستان ، به گزارش روزنامه کیهان هزاران نفر از وی در ایستگاه راه آهن خرمشهر استقبال کردند . در گزارش کیهان آمده است :

« در ایستگاه راه آهن و در " مسجد امام جعفرصادق (ص) " بیش از ده‌ها رأس گوسفند جهت سلامتی آیت الله خاقانی سربریدند . آیت الله خاقانی به علت خستگی سفر ، تنها در مسجد امام جعفرصادق (ص) بار دیگر مردم را به برادری و مساوات راهنمایی فرمودند . در پایان سخنان آیت الله ، عشایر خلق عرب چند تیره‌وایی به تأیید گفته ایشان شلیک نمودند . در مصاحبه کوتاهی که خبرنگار ما با فرزند آیت الله (شیخ کاظم آل شبیرخاقانی) بعد از سفرشان به قم انجام داد ، چنین اظهار داشتند : مطالبی که در قم بین امام و آیت الله آل شبیرخاقانی مطرح شد ، کلیه خواست‌های مربوط به منطقه بود که امام گفتند ما سعی خواهیم کرد به مرور زمان آنها را انجام دهیم و خواست‌های مطروحه چنین بود :

۱ - سعی و کوشش هرچه زودتر جهت تدوین قانون اساسی و تعیین رئیس جمهور و گذاشتن مذهب جعفری به عنوان دین رسمی و با در نظر گرفتن آزادی کامل برای تمام مذاهب و ادیان ، احزاب و گروه‌های مختلف ، تا آن جایی که موجب تضعیف حکومت اسلامی و قدمی برخلاف مصالح عمومی کشور و حکومت اسلامی برداشته نشود .

۲ - دقت هرچه بیشتر در انتخاب افراد مسئول دولتی و انتخاب آنان از افراد با ایمان .

۳ - تجدیدنظر در دادگاه‌های موجود و اعدام‌های این دادگاه‌ها و قرار دادن دادگاه‌هایی تحت نظر مراجع و مجتهدین تا این که برطبق موازین شرعی در آنها عمل شود .

۴ - دادن آزادی بیشتر بر طبق موازین شرعی برای علمای اسلام و تمام ملت در رادیو تلویزیون‌ها و مجلات .

۵ - زیرپوشش قرار دادن تمام کارگران و کارمندان غیررسمی جهت تامین حقوق و آینده آنان .

۶ - مأمورانی که در خوزستان انتخاب می‌شوند برای حفظ متعلقه لازم است که از افراد با تدبیر و با ایمان باشند نه افرادی که بخواهند به جای آن که کارها را از راه سیاست و تدبیر حل کنند ، از زور و ارباب استفاده کنند . ضمناً یادآور می‌شود که افرادی در آن منطقه موجبات نفاق افکنی و دودستگی بین مردم شده‌اند و لازم است جلو این افراد گرفته شود . « (۴)

۲۳۲

در حالی که اوضاع در خرمشهر به دلیل مخالفت گروه‌های خلق عرب با تخلیه‌ماکن دولتی و اعتصاب هشت روزه ناآرام است ، امروز دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت در

نامه‌ای به احمد صدرحاج سید جوادی وزیر کشور، پیش‌بینی روزنامه کریستین ساینس مانیتور مبنی بر بروز "گشت و کشتار بزرگ" در تهران و خوزستان و در نتیجه قطع صدور نفت ایران را به اطلاع وی رساند. متن کامل این نامه به قرار زیر است:

سفارت جمهوری اسلامی ایران طی تلگرامی اطلاع می‌دهد روزنامه کریستین ساینس مانیتور در مقاله‌ای به قلم JOHN CUOLEY تحت عنوان "جریان نفت ایران ممکن است دوباره قطع شود"، گزارش می‌دهد که ممکن است در تابستان امسال آشوب‌های سیاسی تازه‌ای در ایران رخ دهد که باعث قطع جریان نفت آن کشور به ایالات متحده گردد. از یک ماه پیش دوباره خبرهایی درباره احتمال انجام اعتصاب عمومی در سرزمین‌های نفت خیز خوزستان شنیده می‌شود. مقاله می‌افزاید لااقل سه گروه انقلابی عرب خواستار خودمختاری برای خوزستان می‌باشند. قرار است که در ماه جاری این سه گروه موضوع خودمختاری اعراب در چهارچوب یک جمهوری فدرال اسلامی را طی اجتماعی در خرمشهر مورد بحث قرار دهند. این خبر از سوی "جبهه آزادی بخش اهواز" منتشر شده است. قطع نفت ایران در زمستان گذشته باعث کمبودهایی در ایالات متحده آمریکا و دیگر ممالک صنعتی غربی گردید. در نتیجه مسئولان انرژی آمریکا مشغول مطالعه در مورد اینکه نفت خود را از کجا وارد نمایند می‌باشند. نویسنده می‌افزاید بین ششصد هزار الی نهصد هزار تن از نژاد عرب در خرمشهر، اهواز و آبادان زندگی می‌کنند و حدود دویست هزار تن از کارکنان صنعت نفت اصلاً عرب می‌باشند. رهبر جبهه اهواز سید عباس الماهری به دولت آیت الله خمینی هشدار داده است که اگر به اعراب خوزستان خودمختاری داده نشود آنها مجبور به مبارزه مسلحانه و استفاده از قدرت نفت خواهند شد.

اژانس خبری (A.P.S) (ARAb Press service) که مرکز آن در قبرس است در روز دوم مه اعلام کرد که براساس منابع نزدیک به سازمان آزادی بخش فلسطین و گروه‌های مارکسیستی، گشت و کشتار بزرگی در ماه‌های ژوئیه و اوت (تیر و مرداد) امسال در تهران انجام خواهد شد که آغاز انقلابی دیگر در ایران است. اژانس خبری A.P.S افزوده است که هم‌اکنون گروه‌های تندرو عرب در خوزستان سرگرم سازمان دادن یک اعتصاب عمومی در سرزمین‌های نفت خیز به عنوان قسمتی از برنامه‌های مبارزاتی خود برای کسب خودمختاری می‌باشند. مراتب جهت استحضار اعلام گردید. (۵)

۲۳۳

نشریه "کار" ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق در دومین بخش از گزارش مفصل خود با عنوان "گزارش چگونگی وقایع در خرمشهر" که در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۳۱ به چاپ رساند، نوشت: «صبح زود روز دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸ سه نفر از اعضای مسلح "سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان" که برای خرید صبحانه از ستاد خود بیرون رفته بودند، توسط پاسداران و کماندوهای اعزامی از پادگان‌های سایر شهرها دستگیر شده به مرکز دژبان اعزام می‌شوند. به دنبال اولتیماتوم سازمان سیاسی خلق عرب مبنی بر حمله به دژبان در صورت ادامه بازداشت افراد مذکور،

بازداشت شدگان بعد از خلع سلاح آزاد می‌شوند. در این جریان تیراندازی‌هایی صورت می‌گیرد ولی به کسی آسیب نمی‌رسد.

در همین روز پاسگاه ژاندارمری "دیری فارم" واقع در منطقه عرب نشین غربی جزیره آبادان به تلافی، مورد حمله انتقامی اعراب مسلح قرار گرفته، پس از اشغال پاسگاه مأموران آن خلع سلاح می‌شوند. گفته می‌شود قریب ۳۰ قبضه اسلحه در این حمله به دست اعراب می‌افتد.

ساعت ۳۰: ۱ بعد از ظهر شیخ محمد طاهر آل شبیرخاقانی که برای مذاکره با امام خمینی، نخست وزیر و آیت الله طالقانی به قم و تهران مسافرت کرده بود، با قطار به خرمشهر مراجعت می‌کند. در ایستگاه راه آهن از طرف هوادارانش به گرمی مورد استقبال قرار می‌گیرد.

شیخ بلافاصله در ملاقات با نزدیکان خود اعلام می‌دارد که مرکز با بسیاری از خواسته‌ها موافقت کرده است و متعهد شده است در مقابل قول خلع سلاح - که من به آنها داده‌ام - مقامات شهر و استان (یعنی مدنی استاندار و علوی فرماندار خرمشهر) تغییر یابند و افرادی دیگر با صلاح دید ما انتخاب شوند و اختیارات دیگری نیز به ما داده شده است.

شایعه تغییر استاندار و فرماندار به سرعت در شهر می‌پیچد و بسیاری از دست اندرکاران و مسؤولین ادارات دولتی، خود را برای تغییر و تحولات تازه آماده می‌کنند و به تهیه طرح‌هایی برای پیشنهاد به شیخ در مورد ادارات خود می‌پردازند.

جو سیاسی شهر به نفع هواداران "حاکمیت عرب بر سرنوشت خود" (اعم از تجزیه طلبان، برتری طلبان، عناصر واقع بین، پیشرو مترقی و محافظه کاران) تغییر می‌یابد. امیدواری زیادی برای حل مسائل شهر و منطقه از راه گفت و گو و روش‌های سیاسی (که مدت زمانی بود از این روش‌ها مایوس شده بودند) در مردم ایجاد می‌شود.

برعکس در کلیه افرادی که در آن زمان قدرت را در شهر به دست داشتند یعنی کمیته نوری، سپاه پاسداران، کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر (شاخه سازمان فدائیان اسلام در خرمشهر)، هواداران سازمان امل، اعضای گروه "النصر" (به رهبری روحانی تازه واردی از قم بنام "علی اکبر محمودی شیرازی") اعضای گروه اباذر (گروهی با مشخصاتی بیش و کم شبیه گروه النصر که با هدف مبارزه با نیروهای پیشرو و مترقی ایجاد شده است) ... خشم و یأس عارض می‌شود.

تحصن اعضا و هواداران کانون فرهنگی عرب وارد هشتمین روز خود می‌شود و نسبت به روزهای قبل عده بیشتری از نیروهای عرب از آن حمایت می‌کنند.

همچنین تحصن اعضا و هواداران کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون خرمشهر نیز وارد سومین روز خود می‌شود و زمینه برای صف آراییی بیشتر و بیشتر نیروهای سیاسی و توده‌های عرب و غیرعرب فراهم می‌شود. « (۶)

۲۳۴

استاندار کردستان "ابراهیم یونسی" در مورد خلع سلاح این استان گفت: اگر مردم امنیت خود را



ابراهیم یونسی
استاندار کردستان

در خطر ببینند ، اسلحه به دست می گیرند زیرا در گذشته آزادی نبود ، فرد کرد یا بلوچ یا خراسانی و خوزستانی اسلحه را در واقع به عنوان تجسم آزادی خود به دست می گرفت ، اما اکنون اگر مردم مطمئن باشند که نیروهای دفاع و انتظامی از خود مردم است و شوراها و رؤسا و پاسداران و پاسبانان از خودشان هستند ، طبیعی است که دیگر به اسلحه نیازی نخواهند داشت . وی افزود : به هر ترتیب ، پس از استقرار نیروهای نظامی و انتظامی ، اقدام به جمع آوری اسلحه خواهیم کرد . (۷)

۲۳۵

احمد مفتی زاده طی مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه کیهان به تشریح نظرهای خود درباره انقلاب ، مسائل کردستان و ... پرداخت که به اختصار چنین است :

س - آیا اختلاف نظرهایی میان شما و عزالدین حسینی وجود دارد ؟

ج - شاید بین من و ایشان به ذات ، اختلاف نظری وجود نداشته باشد . اختلافی که هست این است که راه‌ها متفاوتند . راهی که من انتخاب کردم ، اسلامی خالص بدون سازش با هر چیزی که بوی وابستگی به شرق و غرب را می دهد ولی ایشان با خوش بینی نسبت به بعضی از نیروهای موجود در داخل مملکت قضاوت می کند و همین امر موجب شده که برحسب ظاهر اختلافی بین من و ایشان به نظر برسد .

س - خواست " ملت کرد " در طرح تقاضاهایشان برای خودمختاری ؟

ج - عرض کنم خواست " ملت کرد " مثل باقی ملت‌های مسلمان ایران در یک کلمه ، رفع ستم ، برقراری عدالت اسلامی است . ستم‌هایی که در مملکت وجود دارد ، نه تنها در کردستان ، مجموعاً سه نوع است و در بعضی جاها دو نوع و کمتر .

یکی ستم مذهبی است . همان طور که اهل مطالعه هستید از زمان صفویه این ستم شروع شده و باعث کدورت مابین دو برادر کرد شیعی و سنی شده و با شدت تمام و کشتارهایی که می کردند نسبت به اهل تسنن مشهود است و از آن زمان در قانون شاهنشاهی تسنن مثل اقلیت محسوب می شد مثل یک دیانت خارج از اسلام . یکی از خواسته‌های اهل تسنن این است وقتی که اسلام مطرح است ، تسنن و تشیع هر دو مساویند و اقلیت و اکثریت در دین واحد مطرح نیست .

ستم دوم ، ستم‌های ملی است و این هم تنها شامل کردستان نیست ، بسیاری از مردم مسلمان ایران از حقوق ملی و حق تعیین مسیر و استفاده از فرهنگ خودشان و زندگی خاص خودشان نداشتند .

و ستمی که شامل تمام ملت ایران است ستم طبقاتی است که این طبیعت حکومت‌های طاغوتی‌گری است و نوع حکومت غیرتوحیدی که معمولاً بالا و پایین امر جامعه درست می‌کردند ، امتیازات به وجود می‌آوردند ، چه مادی و چه معنوی .

خواسته ملت کرد این است که این ستم‌ها برطرف شود و این خواسته‌ها ، خواسته‌هایی است اسلامی . در مورد کیفیت تحققش طبیعی است که به آن صورت که جناب عالی اشاره می‌کنید طرح نهایی تهیه نشده ، زیرا تهیه چنین طرحی در صلاحیت یک فرد یا چند فرد نیست . ما تلاش کرده‌ایم برای این مطلب از اواخر اسفند اجتماعی از صاحب نظران کرد در کردستان تشکیل شود و عده‌ای به عنوان نماینده انتخاب بشوند که این عده تحت نظر آن ، کار کنند و با رهبری انقلاب و دولت در میان بگذارد در رویش بحث شود و به تصویب برسد . (۸)

۲۳۶

“ آیت الله ربانی شیرازی ” که در رأس هیئتی برای بررسی مشکلات مردم آذربایجان غربی به این منطقه آمده است ، به اتفاق “ عباسی ” استاندار آذربایجان غربی و عده‌ای از روحانیان ارومیه وارد مهاباد شد و مورد استقبال اهالی این شهرستان قرار گرفت . آیت الله ربانی شیرازی و همراهان ابتدا در گورستان مهاباد بر مزار شهدا ادای احترام کردند ، سپس در “ خانه جوانان مهاباد ” از چادرهای آوارگان واقعه شهرستان نقده دیدن کردند و در اجتماعی که با شرکت اهالی شهرستان مهاباد و آوارگان نقده تشکیل شد ، حاضر شدند .

در این اجتماع ابتدا دکتر “ عزیز برزندی ” نماینده آوارگان طی سخنانی گفت : « امیدوارم هیئت‌هایی که از مرکز برای بررسی مشکلات مردم می‌آیند توفیق حاصل کنند که به گرفتاری‌های منطقه رسیدگی کرده و ریشه‌های فساد را چنان قطع کنند که دیگر ایادی استعمار نتوانند جرأت و نیت خود را به مورد اجرا گذارند و ما دست امید و توقع را به صورت یک نیازمند واقعی به سوی رهبر انقلاب ایران دراز می‌کنیم . » وی سپس گفت : « آمار آوارگان نقده و حومه ۱۲۴۷۲ نفر است که تعدادی از آنها در خانه جوانان شهرستان مهاباد و بقیه در نقاط دیگر اسکان داده شده‌اند . »

آیت الله ربانی شیرازی نیز طی سخنانی گفت : « من با روحی سرشار از ناراحتی در برابر شما ایستاده‌ام ؛ ناراحت و درهم کوفته از حوادثی که اخلاص‌گران به وجود می‌آورند ، حوادثی که هر انسان با وجدانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد . آنها که حادثه نقده را به وجود آوردند ، توطئه آنها نفاق افکنی در تمام ایران است و می‌خواهند انقلاب ایران را خنثی کنند و اگر ما در مقابل این توطئه‌ها هشیار نباشیم ، فرصت‌طلبان و اخلاص‌گران به حساب همه ما می‌رسند و حکومتی بدتر از حکومت گذشته بر ما مسلط می‌گردد . »

آیت الله ربانی شیرازی در سخنان خود یادآور شد که انقلاب سه مرحله دارد: مرحله تخریب، مرحله پاکسازی و مرحله سازندگی که ما دوران تخریب را پشت سر گذاشتیم، ولی دوران پاکسازی هنوز خاتمه نیافته است. وی خطاب به آوارگان نرده گفت: « پاسدارانی مورد اعتماد از افراد کرد و ترک تعیین خواهد شد تا امنیت منطقه را برقرار کنند و شما نیز اطمینان داشته باشید عاملین حادثه نرده به دادگاه عدل اسلامی تحویل داده خواهند شد. » (۹)

۲۳۷

چهل و دو تن از اعضا و هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق که در ۱۳۵۸/۱/۳۱ در حمله به دفتر این سازمان در آبادان دستگیر شده بودند، شب هنگام از زندان قصر آزاد شدند. دستگیرشدگان که از ۸ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده بودند، پس از آزادی عازم ساختمان دادگستری شدند تا با خانواده‌هایشان که به همراه خانواده « حماد شیبانی » در آن جا بست نشسته بودند، ملاقات کنند.

خانواده‌های این زندانیان در مدت سه روز تحصن خود با انتشار بیانیه‌هایی دستگیری فرزندان خود را غیرقانونی خواندند. آنها همچنین در این خصوص نامه‌ای را مشترکاً به هیئت رئیسه کنگره سراسری وکلای دادگستری ایران که در وزارت دادگستری برگزار است، تسلیم کرده بودند. (۱۰)

۲۳۸

روزنامه « مردم » ارگان حزب توده ایران در شماره امروز خود مطلبی با عنوان « توضیح دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران » درج کرده که در آن چنین آمده است: « اخیراً لیست گروهی از مأمورین و همکاران ساواک، در مطبوعات، گویا از سوی مقامات دولتی منتشر شده است. در این لیست که گفته می‌شود انگیزه انتشار آن تصفیه و پاکسازی مطبوعات است، از جمله یکی از رفقای ما « هوشنگ اسدی » به عنوان مأمور ساواک معرفی شده است. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین وسیله اعلام می‌دارد که هوشنگ اسدی عضو حزب توده ایران است و به دستور حزب توده و برای انجام مأموریت محوله از طریق شبکه مخفی حزب توده ایران به داخل ساواک رخنه کرده و در این ارتباط موفق به خدمات مؤثری شده است. دبیرخانه حزب توده ایران، این توضیح را برای رفع هرگونه شبهه در مورد این رفیق، بسیار ضروری می‌شمارد. » (۱۱)

در این حال، روزنامه کیهان که هنوز درگیر مسئله تصفیه حدود ۲۰ تن اعضای شورای سردبیری و هیئت تحریریه این روزنامه توسط کارگران و کارکنان مسلمان کیهان و مواجهه با اعتصاب سایر (حدود ۱۳۳) اعضای تحریریه است، نوشت: « ما هنوز عناصر وابسته را در جمع خود داریم، کمالین که دیروز حزب توده ایران، هوشنگ اسدی عضو شورای سردبیری کیهان را نه تنها به عنوان عضو حزب بلکه مأمور حزب در ساواک مخوف معرفی کرد. ما هنوز نمی‌دانیم

که آیا این عضو مؤثر تحریریه و یا اعضای دیگر، مأموریت‌های دیگری نیز داشته‌اند یا نه. « (۱۲) (خبر ضمیمه دارد.)

۲۳۹

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خراسان با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام موجودیت کرد. در این اطلاعیه آمده است: «بسمه تعالی. رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی الخمينی؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خراسان مفتخر است بدین وسیله آغاز فعالیت خود را به عرض آن رهبر بزرگ برساند. این سپاه با الهام‌گیری از اسلام راستین و نیروی انقلابیون مسلمان مصمم است که به خواست خدای بزرگ همه امکانات و قدرت خود را فقط در خدمت اسلام و اندیشه‌های اصیل قرآن و راه و روش پیشوایان معصوم علیهم السلام قرار دهد و چنانچه در پیام آن رهبر بزرگ آمده است، ملت ما فقط برای اسلام و استقلال و آزادی در پناه اسلام مبارزه کرده و بدان نیز رأی داده است. ما نیز هر سازمان، گروه و حزبی را که جز ایدئولوژی اسلام و اصل امامت و رهبری روحانیت، اندیشه‌ای داشته باشد، مسلمان ندانسته و دشمن ملت ایران می‌دانیم. ضمناً ما شدیداً توطئه سوءقصد به برادر مجاهدان آیت الله هاشمی رفسنجانی را که به دست ارتجاع داخلی وابسته به امپریالیسم شرق و غرب صورت گرفته است، محکوم می‌کنیم و تعقیب و مجازات فوری عاملان و محرکین را خواستاریم.» (۱۳)

۲۴۰

روزنامه کیهان با درج مقاله‌ای به قلم فردی به نام «سروان علی درخشان» در مورد نفوذ فکری گروه‌ها در ارتش جمهوری اسلامی، هشدار داد. در این مقاله آمده است:

«تصمیم وزیر دفاع دولت موقت جمهوری اسلامی و رئیس ستاد در مورد ممنوعیت شرکت نظامیان در احزاب و دسته بندی‌ها و گروه‌های سیاسی عاقلانه و به موقع است و نگرانی عمومی را برطرف نمود، زیرا فرض این که ارتش در جبهه‌گیری‌ها و گروه بندی‌های سیاسی مشارکت داشته باشد، فکر امنیت عمومی را مختل می‌سازد، در آن صورت نه به دفاع مرزها می‌توان امیدوار بود و نه به پشتیبانی ارتش از استقلال و حاکمیت ملی و ما معتقدیم که دولت، وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش باید با قاطعیت و هشیاری این تصمیم را به موقع اجرا بگذارند.

هم اکنون کشور ما در نهایت آزادی صحنه مبارزات و تظاهرات احزاب و گروه‌های سیاسی است. روزنامه‌ها و نشریات ناشر افکار این احزاب و گروه‌ها همه روزه به تعداد زیادی منتشر می‌شود و در برخورد عقاید و آرا فراز و نشیب‌هایی وجود داشته و باز هم در پیش خواهد بود ولی ارتش باید مستقل و جدا از همه این برخوردها باشد. ارتش یک ناظر امین و نیروهای ضامن صلح و امنیت و استقلال است و این ممکن نیست مگر این که خود از همه این تضادها و برخوردها برکنار نگه داشته شود و به عنوان پشتوانه محکم استقلال و آزادی و حافظ موجودیت مملکت در جایگاه خاص خود قرار گیرد.

کسانی که ضعف دولت را می‌خواهند تا به آسانی بشود بر او شورید و یا مردم را شورانید،

کسانی که می‌خواهند ارتش در هر نقطه مملکت ابزار دست یک گروه سیاسی باشد تا در صورت لزوم اساس انقلاب را درهم کوبید، موافق نیستند که ارتش از شرکت در احزاب و گروه بندی‌ها ممنوع شود.

بد نیست به نظر بیاوریم که هم اکنون جبهه ملی ایران، جبهه دمکراتیک ملی ایران، حزب ایران، حزب ملت ایران، حزب توده ایران، گروه پیکار، سازمان چریک‌های فدایی خلق، سازمان انقلابی، سازمان مجاهدین خلق و چندین گروه و دسته سیاسی دیگر که همه نشریه خاص خودشان را دارند و در صحنه مبارزات ایران فعالیت می‌کنند. حال مجسم کنید که فرمانده هنگ جزو گروه سوسیالیستی طرفدار تروتسکی باشد و معاون هنگ عضو حزب توده و وفادار به مکتب مارکسیسم - لنینیسم استالین، فرمانده لشکر آذربایجان جزو سازمان انقلابی و طرفدار مائوتسه تونگ و معاون هنگ اهواز جزو چریک‌های فدایی خلق و افسر زیردست این آقای معاون عضو فعال حزب ملت ایران و در چنین صورتی مسلم است که سربازخانه و محیط ارتش محل اصطکاک عقاید و نظرات این صاحبان عقاید مختلف می‌شود و باید همه روزه یک گروه ضربت برای جدا کردن این متخصصین آماده به خدمت نگه‌داشت به شرط آن که خود آن گروه ضربت نیز تمایلات حزبی خاصی نداشته باشد و با همه اینها آیا با یک چنین قشونی می‌شود از مرزها دفاع کرد؟ این چنین قشونی می‌تواند به مردم آن امنیت و آسایش را بدهد که در مزرعه و کارخانه و کوچه و خیابان و خانه زندگی کنند.

افسانه ارتش خلقی که همه این گروه‌ها ساز کرده‌اند، افسانه خلع سلاح ملی است و البته به ملتی که خلع سلاح شده بهتر شبیخون می‌توان زد و آنها که به فکر شبیخون آینده‌اند، از حالا هر کدام می‌خواهند یک لقمه‌ای از ارتش را در دست داشته باشند و الا کجای دنیا ارتش یکپارچه نیست. مگر ارتش چین و شوروی و آمریکا و انگلیس و فرانسه چه جور است، ما هم همان جور ارتش لازم داریم که فرمان بردار حکومت ملی باشد. فکر ممنوع ساختن نظامیان از شرکت در احزاب و گروه‌های سیاسی بسیار فکر بجا و منطقی است ولی به همین حد نباید اکتفا کرد، بلکه از نفوذ احزاب و گروه‌ها در ارتش نیز نباید غافل بود، چون وقتی علاقه‌مندان به دست گرفتن ارتش متوجه شدند که نظامی را نمی‌شود به حزب و گروه و دسته کشاند و این ممنوعیت وجود دارد، کوشش در نفوذ در ارتش می‌شود و این وظیفه و مسئولیت ارتش است که از هرگونه نفوذی جلوگیری نماید.

امروز وضع ارتش دشوارتر است؛ زمینه‌های تبلیغاتی بیگانگان دور و نزدیک در داخل کشور فراهم شده و همه روزه صدها روزنامه و مجله و نشریه و بیانیه و اعلامیه منتشر می‌کنند و برای به دام کشیدن و اسیر کردن ملت نقشه می‌کشند. درست است که دانشگاه‌ها و کارگاه‌ها و مدارس بیشتر مورد توجه است که بذر عقیده خود را در آنها بپاشند، اما سربازخانه مقام و موقعیت استثنایی دارد، آن جا منبع نیروی ملت است، آن جا پشتیبان استقلال و آزادی مملکت است و از آن جاست که می‌شود شبیخون زد. « (۱۴)

مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت در یک مصاحبه مفصل رادیو تلویزیونی به طرح مسائل و مشکلات جاری پرداخت ، از جمله در مورد ارتش گفت : « ارتش ما بیش از مسلسل و فشنگ احتیاج به روحیه دارد و دادستان دادگاه انقلاب هم بخشنامه‌ای که اخیراً صادر کرد دایر بر این که هیچ پاسداری و کمیته‌ای حق بازداشت افسران و درجه‌داران و سربازان را ندارد [در این ارتباط بوده است] . فکر کنید وقتی در یک محلی بروند یک افسری را که موقعیت و حیثیتی داشته به وضع فجیعی بازداشت کنند ، چه روحیه‌ای برای او می‌ماند و آن وقت چه انتظاری مملکت مخصوصاً در این موقع و زمان بیش از هر جا به ارتش و نیروهای انتظامی احتیاج دارد ، چه روحیه‌ای برای آنها خواهدماند . »

مهندس بازرگان در مورد این که کمیته‌ها و پاسداران از چه مقامی تمکین می‌کنند ، گفت : « غالباً اینها نام امام روی خودشان می‌گذارند و اسماً از امام و یا از شورای انقلاب تمکین می‌کنند ولی بیشتر تابع کمیته‌ها و مراجع و رهبری‌های محلی و روحانی و یا سیاسی هستند که از آنها تبعیت می‌کنند و چه بسا تأسف آورتر این است که تازه در شهرستان‌ها و در خارج هم وحدت قدرت و مرکز قدرت ندارد و آن جا هم تعدد و اختلافات و اشکالاتی پیش می‌آید . خلاصه مملکت ما به صورت یک شهر صد کلانتر درآمده که ممکن است از صد تاهم بیشتر باشد . »

بازرگان در مورد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در کشور گفت : « قطب‌ها و مراکز تشخیص و تصمیم‌گیری زیادی در مملکت است و کسانی که دست‌اندرکار هستند یک حالت استقلال و استنباط شخصی به خودشان می‌دهند ، [لذا] ارتباطهای میان بری از بالای سر و خارج دولت صورت می‌گیرد مثل کمیته‌های امام ، سپاه پاسداران انقلاب و دادگاه‌های انقلاب و خیلی چیزهای دیگر . » (۱۵)

امروز رسماً اعلام شد که مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی جدید آن گونه که در اذهان عمومی وجود دارد و سازمان‌ها و جریان‌های سیاسی تبلیغ می‌کنند ، تشکیل نخواهد شد . در این خصوص آیت الله دکتر محمد مفتاح در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان گفت : « مجلس مؤسسان تشکیل خواهد شد منتها " در سطح محدود " . » وی اضافه کرد : « برای تصویب قانون اساسی جدید تنها به مجلس مؤسسان اکتفا نخواهد شد بلکه قانون جدید بعد از تدوین و تصویب مجلس به رأی عمومی گذاشته خواهد شد و در صورت تصویب در همه پرسى ، به صورت قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام خواهد شد . » وی افزود : « مجلس مؤسسان آن طور که در حال حاضر در اذهان منعکس شده است شاید که تشکیل نشود بلکه براساس آخرین تصمیمی که از سوی رهبر انقلاب اتخاذ شده ، پس از انتشار متن پیشنهادی قانون اساسی ، نمایندگان استان‌ها و اقلیت‌های مذهبی ، درباره آن اظهارنظر خواهند کرد و اگر لازم بود اصلاح شود ، که موارد مورد بحث اصلاح خواهد شد و پس از آن ، متن اصلاح شده به همه پرسى گذاشته می‌شود و کلیه افراد کشور



صادق طباطبایی

معاون وزیر کشور دولت موقت

می‌توانند به آن رأی بدهند . «

صادق طباطبایی معاون وزارت کشور گفت : « امام تأکید داشتند بر این که قانون اساسی هرچه زودتر از تصویب ملت ایران بگذرد . علت سرعت عمل آن است که یک سری اقدامات نمی‌تواند انجام شود ، زیرا مبتنی بر قوانینی که از تصویب مردم گذشته باشد نیست ، مثلاً راه حل نهایی و بنیادی برای مشکل کار و کارگر و همچنین در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی ، از جمله تعیین حدود مالکیت بر ابزار و تولید و زمین و غیره ، باید مبتنی بر قوانینی که از تصویب مردم گذشته است ، باشد . بنابراین دولت تا وقتی این قانون وجود ندارد بایستی دست به عصا راه برود ، برای اصلاحات اداری و قوانین کشوری و لشکری به این قانون احتیاج

دارد و همچنین در زمینه‌های دیگر . امام تأکید داشته‌اند برای این که دست دولت و قوه اجرائیه باز باشد ، طرح قانون اساسی از طریق همه پرسی به رأی نهایی مردم گذارده شود و قانون اساسی هرچه زودتر از تصویب مردم بگذرد . « طباطبائی گفت : « مجلس مؤسسان که قرار بود جهت طرح و بررسی و تصویب قانون اساسی تشکیل شود ، در شرایط موجود حداقل ماه‌ها به طول خواهد انجامید ، لذا امام در پیام خود به نخست وزیر دستور دادند که خیلی سریع یک مجلسی تشکیل شود که از هراستان نمایندگان باشند و تعداد نمایندگان به تناسب جمعیت و همچنین از اقلیت‌های مذهبی نمایندگانی حضور داشته باشند . « وی اضافه کرد : « به نظر او این هیئت حدود ۴۰ نفر خواهند بود که مجموعه پیشنهادها رسیده و نیز پیش نویس قانون اساسی موجود را مورد بررسی قرار داده و طرح نهایی را به یک شورای انقلاب و از آن طریق به امام تسلیم می‌نماید . « طباطبایی در ادامه سخنان خود گفت : « من تصور می‌کنم که اگر دولت سریع عمل کند ، حداکثر تا دو ماه دیگر قانون اساسی مصوب ملت را در دست خواهیم داشت . بعد از تصویب قانون اساسی بلافاصله انتخابات ریاست جمهوری صورت می‌گیرد و بعد مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی فراهم می‌شود و امیدواریم که تا اوایل پاییز مجلس مقننه و هیئت اجرائیه منتخب مردم تأمین گردد و بدین وسیله دوره انتقالی پایان پذیرفته و مأموریت دولت موقت به ریاست جمهوری و هیئت اجرایی منتخب ملت واگذار شود . « (۱۶)

۲۴۳

سفارت آمریکا در جده در گزارشی به‌امضای « وانیل » به وزارت امور خارجه آن کشور با

طبقه بندی خیلی محرمانه و موضوع "اعدامها در ایران" که رونوشت آن برای سفارت آمریکا در تهران ارسال شده است، چنین گزارش داد: «در گفت و گوی روز ۲۶ مه با مدیر امور آسیایی وزارت خارجه عربستان (احمد سراج) وی به کنسول [امریکا] گفت که به نظر او بهتر است کارکنان آمریکایی (چه اجرایی و چه قانونی) در مورد اعدامها در ایران سکوت اختیار کنند. او گفت که سه نیروی فعال در ایران وجود دارند: روحانیت، رادیکالها و توده مردم. دو نیروی اولیه سعی در کنترل توده مردم دارند. هرچه نیروی مردم بیشتر تحریک شود، فرصت رادیکالها برای نفوذ و کسب کنترل بیشتر می‌گردد. صدور بیانیه درباره اعدامها، بخصوص بیانیه‌های عمومی، مردم را تحریک می‌کند، بهتر است از فعالیت‌هایی که باعث انگیزش مردم می‌شود اجتناب شده و به نیروی مذهبی و دولت در خصوص ثبات کشور اجازه داده شود.

کنسول سیاسی گفت که منظور ایشان را فهمیده است و چون دولت و ملت آمریکا احساس قوی در مورد حقوق بشر دارد، مشکل است از عدم توافق خود نسبت به این اعدامها در ایران که بدون محاکمات منصفانه به عمل آمده، اظهار نظری ننمایند، بخصوص وقتی این اظهارات از شعبه قانونی دولت یا مطبوعات بیان شده باشند. امیدواریم دولت‌های دوست که پشتیبان حقوق بشر هستند مثل "عربستان سعودی" به ما کمک کنند تا ایران را وادار به رعایت اصول بین‌المللی کنیم. به هر حال برای اسلام مایه بدنامی است.» (۱۷)

۲۴۴

سفارت آمریکا در تهران در گزارشی به‌امضای "ناس" به وزارت امور خارجه آن کشور با طبقه بندی "خیلی محرمانه" و تحت موضوع "وخامت اوضاع سیاسی" ایران نوشت:

«تا کنون پیشرفت کار قانون اساسی جدید توأم با این خواسته که دولت موقت سریعتر در جهت ارائه قانون اساسی بجنبد، جریان سرعت بیشتری به خود گرفته است. شروع تمرکز فعلی در مورد جریان قانون اساسی، سخنرانی خمینی در تاریخ ۲۳ مه (دوم خرداد) بود. او بالقوه تمام گروه‌های جامعه ایران را که از ایده جمهوری اسلامی حمایت نمی‌کنند مورد حمله قرار داد. او چپی‌ها، جبهه ملی، جبهه دمکراتیک ملی و گروه‌های اسلامی راستگرا را مورد حمله قرار داد. همگی به غیر از آخری متهم به نادیده گرفتن اسلام شدند. گروه‌های راستگرای اسلامی به خاطر معتقد بودن به این که اسلام بدون روحانیت باشد، مورد ملامت قرار گرفتند.

بنابه گزارش رسانه‌های گروهی، موضوع ۲۷ مه (ششم خرداد) همراه با درخواست ۲۶ مه (پنجم خرداد) خمینی برای یک رفراندوم قانونی اسلامی، در پیامی به مهندس بازرگان گفته شده است که در طول مدت زمانی که به وسیله شما (بازرگان) مشخص می‌شود، به نمایندگان تمام گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های مذهبی باید اجازه داده شود که در مورد قانون اساسی قبل از این که به تصویب نهایی شورای انقلاب و دولت برسد، اظهار نظر بکنند. قسمتی از پیام که منتشر نشد آن بود که اشاره شده بود که نمایندگان برای تدوین قانون اساسی از طریق انتخابات برگزیده نخواهند شد، بلکه از عده‌ای دعوت به عمل خواهد آمد. ما این اظهارنظر را از چندین

طیف سیاسی مختلف شنیده‌ایم، از جمله کسانی که به خمینی نزدیک هستند، که مراحل قانون اساسی بوسیله جنبش اسلامی کنترل می‌شود تا تفرقه و رقابت با ایده‌های اسلامی را به حداقل برساند.

عکس العمل نسبت به ابراز این اطلاعات، به غیر از طرفداران خمینی، منفی بوده است. چپی‌های فدائیان خلق آن را به عنوان سندی که جنبش اسلامی واقعاً دمکراتیک نیست، تلقی می‌کنند. جبهه ملی‌ها و طرفداران جبهه دمکراتیک ملی آن را به عنوان مدرک فاشیسم و دیکتاتوری روحانیون می‌دانند.

همزمان با کم شدن گذشت خمینی در مورد انحراف از جنبش اسلامی، درخواستش برای اتحاد به گوش کسی فرو نمی‌رود. تعدادی از منابع معتبر ما اینک احساسات قویتری نسبت به گذشته دارند، در مورد این که خمینی [تند و تیزتر می‌شود] و احساس فشار از جانب همکارانش می‌کند، حتی اشخاص اطراف او بر این باورند که انقلاب اسلامی راهی را که همه فکر می‌کرده‌اند باید برود، نمی‌رود. این رفتار نمایانگر مقدار زیادی ناپختگی است ولی همچنین نارضایتی مهمی که با بنیادگرایی اسلامی که خمینی را برمی‌انگیزد، نشان می‌دهد، ولی نه بسیاری از ایرانیان روشنفکر من جمله خیلی از حامیان خود او را.

رسانه‌های گروهی در ۲۷ مه (ششم خرداد) خبر دادند که آیت الله خلخالی به عنوان رئیس فدائیان اسلام برگزیده شد. این یک گروه زیرزمینی افراطی است که ریشه‌های آن به دوران مصدق برمی‌گردد. این گروهی که ظاهر شده، یک اساسنامه به وجود آورده است و رهبر جدید آن می‌گوید که گروه خود را با اصول اسلامی مرتبط می‌کند. این گروه با ترور "رزم آرا" نخست وزیر، در سال‌های قبل و همچنین تلاش‌هایی برای ترور افرادی دیگر، اعتبار یافت. مجادله عمومی بر سر خلخالی هنوز فروکش نکرده است، یک روزنامه می‌گوید که او هنوز یک حاکم شرع است، یکی دیگر می‌گوید که استعفای او پذیرفته شد. عقاید افراطی اسلامی او مایه تسلی خاطر گروه‌های دیگر که آرزوی نقشی در مراحل سیاسی جدید ایران را دارند، نیست.

حمله به آمریکا در طول تظاهرات و همچنین سرزنش آمریکا برای ترور رفسنجانی، تردیدها و نامطمئن‌ها را در مورد این که انقلاب اسلامی در چه جهتی چرخش پیدا می‌کند، در میان خیلی‌ها باعث شده است. تعدادی از ایرانیان از مقامات سفارت سوال کرده‌اند که چرا با وجود خصومت آشکار خمینی و قادر نبودن دولت موقت برای تاثیر گذاشتن در موقعیت، هنوز این جا است. روشن نیست که آیا حرکت‌های اخیر خمینی - که در محدود کردن پایگاهش اثر داشته است - نیروهای میانه‌رو را برای همکاری برمی‌انگیزاند یا نه. این حرکت‌ها، چپ را به فعالیت زیرزمینی متمایل ساخته است. عدم اطمینان‌های سیاسی که در ۵۵ روز اخیر افزایش زیادی پیدا کرده است، منجر به وخامت موقعیت سیاسی در زمینه همکاری میان گروه‌های سیاسی و تمایل به آرام باقی ماندن و اجتناب از فرقه فرقه شدن، شده است. « (۱۸)

۲۴۵

“ آقا شاهی ” مشاور ریاست جمهوری پاکستان در امور خارجی پس از یک دیدار دو روزه از عراق به پاکستان بازگشت . به گزارش آسوشیتدپرس سخن گوی هیئت پاکستانی به هنگام ورود به خبرنگاران گفت : دیدار مشاور پاکستان در امور خارجی از عراق دگرگونی شایسته‌ای را در روابط بین دو کشور منعکس کرد و این امر به مناسبت تصمیم تاریخی پاکستان به ترک “ سنتو ” و خواستار شدن عضویت تام در گروه کشورهای غیرمتعهد پیش آمد . این سخن گو افزود : آقا شاهی در مورد مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی با “ سعدون حمادی ” وزیر خارجه عراق و “ طه محی الدین معروف ” معاون ریاست جمهوری این کشور مذاکرات جامعی به عمل آورد . بنابه گفته این سخن گو ، رهبران عراقی نه تنها به گرمی از خروج پاکستان از سنتو استقبال کردند بلکه اطمینان دادند در گروه کشورهای غیرمتعهد کاملاً از این کشور حمایت کنند . (۱۹)

۲۴۶

نشریه کویت تایمز ، چاپ کویت ، در مقاله‌ای با عنوان “ حقیقت انقلاب ایران ” نوشت : « ایران تا این اواخر بهشت کارتل ها و سرمایه گذاران آمریکا محسوب می‌شد . ایران جزو کشورهای جهان سوم است و دارای منابعی برای استفاده غرب و شرق می‌باشد . شرق ، برخلاف جنجال مطبوعات آمریکا ، هیچ گونه دلیلی برای آشفته کردن اوضاع ایران به دست نداده است ولی انقلاب ایران منافع گروه‌های زیادی را در غرب به خطر انداخته است و از این رو مطبوعات آمریکا تلاش شدیدی را برای منحرف کردن افکار عمومی علیه ایران آغاز کرده‌اند .

کارگردانان سنای آمریکا باید احکام اعدامی را که به حق در ایران به اجرا درآمده با بمباران مردم بی گناه و بی دفاع ویتنام توسط هواپیماهای آمریکا مقایسه کنند . این گروه سناتورها در آن زمان دم برنمی‌آوردند تا این که مردم شجاع آمریکا ، کاخ سفید را زیر فشار گذاشتند و قبل از این که زندگی امریکاییان بیشتری نابود گردد ، نیروهای نظامی آمریکا خاک ویتنام را ترک کردند . جالب این که محترم شمردن حقوق بشر درست زمانی مطرح می‌گردد که منافع آمریکا در ایران به خطر افتاده است و زمامداران تازه ایران تلاش می‌کنند برنامه‌های رفاهی را در مورد تمام مردم این کشور پیاده کنند . « (۲۰)

۲۴۷

هفته نامه الکفاح العربی چاپ لبنان نوشت : بین نمایندگان مسئول آمریکا و رهبران بلوچ ملاقاتی صورت گرفته است . در این زمینه ، نام “ میسارد ” دبیر اول سفارت آمریکا در اسلام آباد برده می‌شود . وی از مناطق بلوچ نشین ایران و پاکستان دیدن کرده است . هفته نامه مذکور می‌افزاید : به احتمال قوی این تماس ها در چارچوب نقشه آمریکا مبنی بر تأسیس کشور مستقل بلوچستان به

حساب ارضی * دو کشور نامبرده صورت می‌گیرد. ناگفته نماند که اراضی این منطقه، طبق پیش‌بینی کارشناسان آمریکایی از لحاظ ذخائر نفت و گاز، فلزات و مواد معدنی مختلف بسیار غنی است. (۲۱)

ضمیمه خبر شماره ۲۳۸

گفتنی است که این ماجرا باعث شد، مخالفان حزب توده، بخصوص مائوئیست‌ها، نیز دلیل و بهانه مناسبی برای کوبیدن رقیب بیابند. آنها با نیشخند مطرح کردند که معلوم شد دلیل پافشاری قبلی حزب توده بر افشای اسامی کلیه ساواکی‌ها همین بوده است که هر روز منتظر آبروریزی جدیدی نباشند و تکلیف خود را بدانند. آنها با تمسخر از حزب خواستند که یک بار اسامی کلیه توده‌ای‌های مأمور به ساواک را اعلام کند تا اگر باز هم اسامی جدیدی از ساواکی‌های توده‌ای بیرون آمد، ادعای نفوذ نکند.

نکته دیگر اینکه بخش اصلی تحریریه و سردبیری کیهان که در سال‌های اخیر فی الواقع ائتلافی از گروه‌های چپ غیرمذهبی و نیز گرایش‌های مختلف مخالف اسلامیت نظام جدید بود، تحت فشار افکار عمومی، جنبه‌هایی از تظاهر به ضدیت با اسلامیت نظام و هواداری شدید از گروه‌های مخالف را تعدیل کرد و بتدریج و به آهستگی، چارچوب تاکتیکی و سیاست تبلیغاتی حزب توده در آن غلبه می‌یافت. قبل از این که این شیوه کاملاً غلبه یابد و مواضع تندی را که علیه کیهان در محافل مذهبی و مردمی پدید آمده بود اندکی ملایم می‌نماید، اسیر تحریک کارگران و کارکنان مذهبی کیهان شد که طبعاً بشدت مورد حمایت محافل مختلف سیاسی مذهبی بیرون موسسه بودند. نکته دیگر این که، بعد از گذشت ۱۵ روز از تغییرات ذکر شده، هنوز خط مشی حاکم بر کیهان دقیقاً مشخص نشده است، ولی از سیاق مطالب می‌توان گفت نوعی آمیختگی از گرایش‌های خط امامی، مجاهدین خلق، گروه‌هایی چون جنبش مسلمانان مبارز و جاما با محوریت گرایش فکری سیاسی نهضت آزادی اما با رنگ رادیکالی آن، در حال شکل‌گیری و غلبه یافتن بر مشی کیهان است.

منابع و مأخذ روزشمار ۱۳۵۸/۳/۷

- ۱- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۴.
- ۲- مأخذ شماره ۱، ص ۴.
- ۳- سند شماره ۱۳۴۳۵۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ستاد نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به وزارت کشور.
- ۴- روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۸، ص ۱.
- ۵- سند شماره ۸-۱۳۴۳۵۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نامه دکتر یزدی به وزیر کشور.
- ۶- نشریه کار (ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق) سال اول، شماره ۱۶، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۵.
- ۷- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۲.
- ۸- مأخذ شماره ۱، ص ۶.
- ۹- مأخذ شماره ۵، ص ۲.
- ۱۰- مأخذ شماره ۵، ص ۳ و روزنامه اطلاعات

* اصطلاح "حساب ارضی" بر وزن "حساب ارزی" بکار گرفته شده و منظور از آن جدا کردن بخش‌هایی از قلمرو سرزمین دو کشور ایران و پاکستان است. (مرکز)

- ۱۱ - روزنامه مردم، ارگان حزب توده، شماره ۱۹، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۶.
- ۱۲ - مأخذ شماره ۵، ص ۱ و ۸.
- ۱۳ - مأخذ شماره ۱، ص ۷.
- ۱۴ - مأخذ شماره ۱، ص ۶.
- ۱۵ - عبدالعلی بازرگان، مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب (تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲) ص ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۷۳.
- ۱۶ - مأخذ شماره ۱، ص ۱.
- ۱۷ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی
- آمریکا، جلد ۱۵ (تهران: نشر لانه، بی تا) ص ۷۲-۷۱.
- ۱۸ - مأخذ شماره ۱۷، ص ۷۰-۶۸.
- ۱۹ - مأخذ شماره ۱، ص ۷، آسوشیتدپرس، کراچی.
- ۲۰ - نشریه هفتگی "امت" (ارگان جنبش مسلمانان مبارز)، شماره ۱۰، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۱۱، به نقل از "کویت تایمز".
- ۲۱ - مأخذ شماره ۱۱، ص ۶ و هفته نامه الکفاح العربی چاپ لبنان.